

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده الهیات و معارف اسلامی

گروه علوم قرآن و حدیث

رساله دکتری (ph.d)

موضوع:

**جریان‌شناسی تفسیر در غرب اسلامی (اندلس)؛**

**مطالعه موردی آراء تفسیری حرائی**

استاد راهنما:

دکتر سید رضا مؤدب

اساتید مشاور:

دکتر غلامحسین اعرابی

دکتر محمد علی لسانی فشارکی

نگارنده:

روح الله محمدعلی نژاد عمران

زمستان ۱۳۹۳



## «صورت جلسه دفاع از رساله دکتری»

**جلسه دفاعیه رساله دکتری آقای روح الله محمدعلی نژاد عمران رشته: علوم قرآن و حدیث**  
تحت عنوان: جریان‌شناسی تفسیر در غرب اسلامی (اندلس)؛ مطالعه موردی آراء تفسیری حرآلی  
با حضور هیأت داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ / / تشکیل گردید.  
در این جلسه، پایان نامه با نمره (به عدد) ..... و  
(به حروف) .....  
با درجه عالی  بسیار خوب  خوب  قابل قبول  مورد دفاع قرار گرفت.

نام و نام خانوادگی	سمت	مرتبه علمی	امضاء
دکتر سید رضامؤدب	استاد راهنما		
دکتر غلامحسین اعرابی	استاد مشاور		
دکتر محمدعلی لسانی فشارکی	استاد مشاور		
	استاد ناظر		
	استاد ناظر		
	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی		

مدیر امور آموزش و تحصیلات تکمیلی

نام و امضاء

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده

نام و امضاء

«وقد علم الأولون و الآخرون أن فهم كتاب الله منحصر إلى علم على عليه السلام و من جهل ذلك فقد  
ضلّ عن الباب الذى من ورائه يرفع الله عن القلوب الحجاب حتى يتحقّق اليقين الذى لا يتغيّر بكشف  
الغطاء»

ابوالحسن الحرالى

تقديم به:

# استاد علامه سيد محمد حسين طباطبائي

«رضوان الله تعالى عليه»

## تشکر و قدردانی

در تألیف و تنظیم این رساله از راهنمائی‌ها و تذکرات سودمند بسیاری از استادان بهره‌مند بوده‌ام؛ از تمامی آنان سپاسگزارم.

به طور ویژه از استاد گرامی و بزرگوارم جناب آقای دکتر سید رضا مؤدب که ادبستان دانش و اخلاقش فروغ همواره زندگانی این ابجد آموز خواهد بود نهایت تشکر و سپاسگزاری را دارم.

همچنین از جناب آقای دکتر غلامحسین اعرابی و جناب آقای دکتر محمدعلی لسانی فشارکی به عنوان اساتید مشاور کمال تشکر را دارم.

و سپاس از همسر فداکارم که با شکیبائی و فروتنی تمام، در انجام این پژوهش سهم وافری داشته است...

زوجتی...

فکل حرف خطه قلمی...

شاهد علی حبها و مؤازرتها و صبرها

و محمدطاهای عزیزمان.

## چکیده

جریان‌شناسی تفسیر، به معنی شناختن و شناساندن جریان‌های تفسیری است؛ به گونه‌ای که فرایند شکل‌گیری و گسترش جریان‌های گوناگون تفسیری تبیین شود و تأثیر فضای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در این موضوع سهم بندی شود و درجه تأثیرگذاری مفسران پیشین بر آراء و شیوه‌های تفسیری مفسران سده‌های پسین معین شود. جریان‌شناسی تفسیر در اندلس، در گرو شناخت زنجیره فکر تفسیری و شبکه مفسران غرب اسلامی و مطالعه معیارهای حاکم بر روش تفسیری ایشان است. جریان‌های تفسیری در اندلس؛ را می‌توان اعم از جریان عقل‌گرا، جریان روایت‌گرا، جریان ادبی و جریان تأویل‌گرا دانست که در دو سده ششم و هفتم هجری در این منطقه غلبه با جریان تفاسیر واعظانه متأثر از جریان عرفان و تصوّف بوده است و تفسیر حرّالی «مفتاح الباب المقفل لفهم قرآن المنزل» نمودی برجسته و تأثیرگذار از جریان تفاسیر علمی - وعظی با گرایش صوفیانه و تأویل‌گرا بعد از خود در غرب اسلامی به‌شمار می‌رود. ویژگی برجسته این جریان تفسیری، برخورداری از رویکرد اخلاقی تربیتی با صبغه عرفانی است. اندلس که در پی ورود اسلام و رحله‌ها و تلاش‌های علمی اندیشمندان مسلمان دروازه ورود علوم و تمدن اسلامی به اروپا به حساب می‌آمد، در سده‌های ششم و هفتم هجری و در زمانه علی بن احمد حرّالی (م ۶۳۸)، از حیث علمی، فرهنگی و تمدنی جایگاهی ممتاز داشت و از این‌رو شاهد حضور مذاهب فقهی، کلامی و گرایش‌های صوفیانه و همچنین فعالیت بزرگان و مشاهیر این جریان‌ها در کنار یکدیگر بود. حرّالی، به‌عنوان ثمره و برآیند فرهنگ اسلامی اندلس ضمن اثرپذیری از مفسران آن دیار بویژه استادش محمد بن عمر قرطبی، بر مفسرین پس از خود تأثیر فراوانی گذاشته است. مجلس تفسیر وی در اندلس بویژه زبانزد خاص و عام بود که طالبان علم از مناطق مختلف در آن شرکت می‌کردند. مهم‌ترین آثار بر جای مانده و شناخته شده حرّالی تا به امروز عبارتند از: مفتاح الباب المقفل لفهم القرآن المنزل، العروة

للمفتاح، التوشية و التوفية که نسخه خطی بوده و اخیراً تنها بخشی از آنها توسط محمدی عبدالسلام الخیاطی تحت عنوان «تراث ابی الحسن الحرالی فی التفسیر»، تصحیح و چاپ شده است. مفتاح الباب او به مثابه اصول و قوانین تفسیری اش از همه مشهورتر است. حرالی قوانین و قواعدی - در نوع خود ویژه - در فهم قرآن و تدبیر وضع کرد و از جمله مبانی مهم تفسیری او آنکه فهم قرآن را در گرو مراتب ایمان و طهارت روح می داند. حرالی در مقدمه اثرش فهم جامع آیات قرآن را منحصر به علی علیه السلام دانسته است. وی بر تناسب و هماهنگی میان آیات و سور و ارتباط آن با اسماء حسناى الهی مصرانه تأکید می کند و ضوابط فهم به عنوان مرتبه‌ای کامل تر از تفسیر و تأویل به مثابه مهم ترین اصول و قواعد در روش تفسیری حرالی، مبتنی بر پیوند استوار میان فرازها و عبارات است. گرایش حرالی در تصوف و تفسیر، بیانی آشکار از روح عصری بوده که در آن می زیسته، همچنین رهیافت عمومی مفسر، واعظانه و ناظر به جنبه اخلاقی و انذار و تبشیر قرآن است. تفسیر حرالی در مطالعات قرآنی معاصر در کشورهای اسلامی، تاکنون آن چنان که باید و شاید مورد توجه دانشوران و محققان قرار نگرفته است.

**واژگان کلیدی:** حرالی، اندلس، جریان تفسیر در غرب اسلامی، تاریخ تفسیر، روش های تفسیری،

تفسیر اثری، تفسیر اهل بیت(ع)

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
	کلیات
	<b>فصل اول - جریان فرهنگ اسلامی در اندلس</b>
۸	جریان‌های فکری حاکم بر اسپانیا (پیش از فتح اسلامی) و عناصر جریان‌ساز آن؛
	۱- اثرگذاری مسیحیت بر فرهنگ و هندسه فکری آن بلاد
	۲- اثرگذاری یهود بر فرهنگ و هندسه فکری آن بلاد
۳۱	جریان فکر اسلامی در اندلس؛
۳۲	فتح اندلس و جریان دولت‌های اسلامی
۴۱	جریان تمدن اسلامی در اندلس
۴۲	اثرگذاری جریان فکر اسلامی بر نظام فرهنگی اندلس
۴۲	۱- جریان انتقال علوم و معارف اسلامی به اندلس
۶۵	۲- گرایش‌های مذهبی و جریان‌های فکری در اندلس
۷۱	۳- مفهوم تعامل فرهنگی
۷۲	اثرپذیری (تعاملات) جریان فکر اسلامی از یهود و مسیحیت در اندلس
	<b>فصل دوم - سیر تحول تفسیر قرآن در غرب اسلامی</b>
۷۷	جریان‌های تفسیر قرآن در غرب اسلامی؛
۷۹	۱- زنجیره فکر تفسیری و شبکه مفسران اندلس
۹۳	۲- جریان‌شناسی روش‌های تفسیری در اندلس
۱۲۴	۳- گرایش‌های تفسیری در اندلس
۱۴۷	جریان تفسیری حاکم بر غرب اسلامی در دو سده ششم و هفتم هجری
	<b>فصل سوم - حرائی، مبانی و روش وی در تفسیر قرآن</b>
۱۶۱	۱- اوضاع و احوال زمانه حرائی (د ۶۳۸ ق- ۱۲۵۷م)



- ۲- شخصیت، شرح حال و آثار حرآلی ..... ۱۶۵
- ضبط صحیح نام حرآلی ..... ۱۶۵
- رویدادهای حیات حرآلی ..... ۱۶۸
- مذهب فقهی و گرایش فکری حرآلی ..... ۱۷۱
- جنبه‌های مختلف علمی حرآلی ..... ۱۷۳
- خصوصیات اخلاقی و رفتاری حرآلی ..... ۱۸۳
- استادان حرآلی ..... ۱۸۵
- شاگردان حرآلی ..... ۱۹۲
- آثار حرآلی ..... ۱۹۹
- ۳- اهمیت تفسیر حرآلی در جریان تفسیری غرب اسلامی (اندلس) ..... ۲۱۱
- ۴- مبانی تفسیری حرآلی ..... ۲۱۵
- ۵- روش تفسیری حرآلی ..... ۲۱۸
- ۶- گرایش تفسیری حرآلی ..... ۲۳۷
- ۷- نظریه حرآلی در باب تفاوت فهم قرآن با تأویل و تفسیر ..... ۲۵۰
- ۸- دیدگاه‌های حرآلی در علوم قرآنی ..... ۲۶۹
- ۹- احادیث نبوی در تفسیر حرآلی ..... ۲۸۴
- ۱۰- آیات الأحکام در تفسیر حرآلی ..... ۲۸۶
- ۱۱- رهیافت‌های اعتقادی و کلامی در تفسیر حرآلی ..... ۲۸۹
- ۱۲- اقوال صوفیانه و اشارات عرفانی در تفسیر حرآلی ..... ۲۹۲
- فهرست منابع و مآخذ ..... ۲۹۷

جریان، در نظام اندیشه‌ای به فرایند منظم یک حرکت فکری اطلاق می‌شود که دارای تأثیر در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... بوده و دارای جمعیت حامی آگاه و یا غیرآگاه می‌باشد. جریان‌ها در هر جامعه، موجب تغییر در آینده و بهبود، ارتقاء یا تضعیف آن جامعه می‌شوند.<sup>۱</sup>

«جریان تفسیری» عبارت است از جهت‌گیری یا رویکرد تفسیری که در گذر زمان و تحت تأثیر شرایط و زمینه‌های خاص به روندی اثرگذار در حوزه اندیشه دینی تبدیل شده است.<sup>۲</sup> جریان‌شناسی تفسیر، به معنی شناختن و شناساندن جریان‌های تفسیری است؛ به گونه‌ای که فرایند شکل‌گیری و گسترش جریان‌های گوناگون تفسیری تبیین شود و تأثیر فضای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در این موضوع سهم بندی شود و درجه تأثیرگذاری مفسران پیشین بر آراء و شیوه‌های تفسیری مفسران سده‌های پسین معین شود.

از این رو، در این رساله به دنبال آن خواهیم بود تا بباییم؛ اسپانیا پیش از ورود اسلام از چه موقعیت و وضعیتی به لحاظ علمی، فرهنگی و اعتقادی برخوردار بوده، نحوه ورود اسلام و پدیداری فرهنگ اسلامی در اسپانیا چگونه بود، تفسیر قرآن در اندلس اسلامی چه جایگاهی داشته و زنجیره مفسرین قرآن در اندلس متشکل از چه کسانی بوده است و اینکه ایشان با چه مبانی و روشی به تفسیر قرآن می‌پرداختند. ضمن آنکه این زنجیره تفسیری چه جریان یا جریان‌هایی را در فهم قرآن رقم زده‌اند و حرآلی - مفسر مورد بحث این رساله - از چه نقش و جایگاهی در جریان تفسیری اندلس برخوردار بوده است.

براین اساس روش کار ما به صورت زیر ادامه می‌یابد:

۱- ابتدا جریان فکر و فرهنگ اسلامی را در اندلس بررسی خواهیم کرد تا به نحوی ضمن اشاره به جریان‌های فکری حاکم بر اسپانیا پیش از فتح اسلامی به فتح اسلامی و روند اثرگذاری جریان فکر و تمدن اسلامی بر آن دیار اشاره کرده باشیم.

۱- با توجه به کتاب‌هایی که در موضوع جریان‌شناسی نگارش شده است مانند: جریان‌شناسی تفسیری و مسأله آزادی محسن آرمین، جریان‌شناسی فکری اعتقادی ایران معاصر خسروپناه، جریان‌شناسی سیاسی دارابی، جریان‌شناسی تفسیری علی اکبر بابایی و... می‌توان جریان‌شناسی را اینچنین تعریف نمود.

۲- ر.ک: آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، محمد اسعدی و همکاران، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، اول، ۱۳۸۹

۲- سپس سیر تفسیرنگاری و زنجیره مفسران اندلس تا قرن هفتم به انضمام نگاه روش شناختی به این شبکه فکر تفسیری و جریان‌های حاصله از آن، با تأکید بر جریان تفسیری حاکم در دو سده ششم و هفتم هجری مورد بحث قرار می‌گیرد.

۳- در گام سوم، ابتدا به معرفی شخصیت، شرح حال و آثار حرآلی پرداخته، ضمن اشاره به اوضاع و احوال زمانه حرآلی، گرایش فکری، جنبه‌های مختلف علمی و استادان و شاگردان وی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴- ارزیابی نقش، جایگاه و اهمیت تفسیر حرآلی در جریان تفسیری غرب اسلامی، گام بعدی این پژوهش خواهد بود که ضمن بررسی و تحلیل مبانی، روش و گرایش تفسیری حرآلی به انضمام بیان دیدگاه‌های علوم قرآنی، رهیافت‌های کلامی و اشارات عرفانی در آراء تفسیری وی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## تعریف مسأله:

از آغاز نزول قرآن و در طول تاریخ پرفراز و نشیب، همواره مفسران در مناطق مختلف اسلامی به تدوین تفسیر قرآن اهتمام نموده، حجم انبوه و بی‌شماری از آثار مهم تفسیری را فراهم آورده‌اند. هرچند بخش عمده‌ای از این آثار در گذر زمان از بین رفته و اثری از آنها برجای نمانده‌است اما آنچه امروزه میراث‌دار آنیم بیانگر تلاش فراوان و گسترده مفسران مسلمان در فراخوانی بلاد اسلامی در ایجاد چنین آثاری است، که برخی از آن به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های گوشه و کنار دنیا محفوظ مانده و برخی نیز تصحیح و منتشر شده و در دسترس عموم است که احیاء و بازشناسی آن تراث ضمن بازنمود مبانی فکری و بررسی روش‌های ایشان در فهم قرآن کریم به منظور کشف جریان یا جریان‌های تفسیری هر دوره از اهمیت بالایی برخوردار بوده و بایسته تلاش و همت والای علمی اندیشمندان و پژوهشیان می‌باشد.

در این میان، مفسران بلاد غرب اسلامی به‌عنوان مرزنشینان فرهنگی - عقیدتی جغرافیای جهان اسلام، کوششی درخور، در راستای شکل‌گیری جریان فهم و تفسیر قرآن داشته‌اند و تبیین مبانی فکری و بررسی روش‌ها و رویکردهای ایشان در تفسیر قرآن کریم از اهمیت بالایی برخوردار است.

مسأله مهم در جریان‌شناسی تفسیر در غرب اسلامی عبارت است از آگاهی از اوضاع و احوال فکری و فرهنگی و شناخت شرایط اجتماعی و سیاسی و کشف جریان‌های فکری موجود در غرب اسلامی و بررسی میزان اثرگذاری عناصر جریان‌ساز آن بر هندسه معرفتی و نظام فکری مفسران آن بلاد و این‌که جریان فهم و تفسیر قرآن در غرب اسلامی از چه ویژگی‌هایی برخوردار بوده است.

البته باید اذعان داشت که امروزه پیشنهاد طرحی جامع به‌منظور کشف یک جریان تفسیری به‌گونه‌ای که تمام تفاسیر را شامل شود و به‌طور همه جانبه‌ای به روش‌ها و گرایش‌ها و رویکردهای مفسران آن‌ها بپردازد امری بسیار دشوار خواهد بود بویژه آنکه با پیشرفت مطالعات قرآنی زمینه ورود علوم زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مباحثی چون نقد ادبی و هرمنوتیک در مطالعات تفسیری فراهم آمده باشد.

بدین جهت در این پژوهش کوشش بر آن است تا از رهگذر بررسی جریان‌شناسانه اندیشه تفسیری مفسران غرب اسلامی به‌ویژه اندلس (اسپانیای فعلی) در سده‌های ششم و هفتم هجری یعنی زمان و مکان ولادت و رشد فکری مفسر سرآمد؛ ابوالحسن علی‌بن‌احمد حرّالی (م ۶۳۸)، با مطالعه موردی تفسیر موجود وی که شامل حدود ۸۰۰ آیه می‌باشد، ضمن کشف منظومه فکری حرّالی و روش تفسیری و رویکردهای وی در فهم و تفسیر قرآن، نقش و جایگاه حرّالی را در جریان تفسیری غرب اسلامی بازبیینیم.

### **سؤال‌های اصلی تحقیق:**

سؤال اصلی این تحقیق عبارتست از:

۱. جریان‌شناسی تفسیر در غرب اسلامی بیان‌گر کدام جریان و یا جریان‌های تفسیری بوده و به‌خصوص حرّالی و تفسیر او از چه مبانی، روش و گرایش برخوردار است؟

### **سؤال‌های فرعی :**

۱. جریان فرهنگ اسلامی در اندلس چگونه است؟
۲. سیر تحول تفسیر قرآن در غرب اسلامی چگونه است؟
۳. تفسیر حرّالی برپایه کدام مبانی و اصول تفسیری، روش و گرایش استوارگردیده و حرّالی در این عرصه چه دیدگاهی دارد؟

### **پیشینه تحقیق:**

با وجود اهمیت فوق‌العاده موضوع جریان‌شناسی تفسیری و جایگاهی که به تبع آن روش‌های تفسیری مفسران در مباحث علوم قرآنی برخوردار است، متأسفانه تاکنون تلاش چندان درخور توجهی به‌خصوص نسبت به جریان‌های تفسیری غرب اسلامی صورت نپذیرفته است. براساس بررسی‌های به‌عمل آمده از سوی نگارنده، به‌جز مقاله‌ای گزارشی مندرج در دانشنامه جهان اسلام و مجموعه بازسازی شده از تراث حرّالی (تراث أبي الحسن الحرّالی المراكشي الأندلسی فی التفسیر، به اهتمام محمادی بن عبدالسلام خیاطی)، تاکنون پژوهشی

در این موضوع به‌ویژه در خصوص شخصیت حرآلی و نقش و جایگاه او در جریان تفسیری غرب اسلامی انجام نشده است.

### **ضرورت انجام تحقیق:**

امروزه به رغم اهتمام پژوهشگران و محققان نسبت به میراث مسلمانان مشرق زمین، مطالعه و بررسی تاریخ و تمدن اسپانیای اسلامی در مقایسه، مغفول مانده و برای زدودن گرد و غبارِ اِهمال و نسیان از چهرهٔ بسیاری از یادگارهای تمدن اسلامی در اندلس همچنان به تحقیق و مطالعه هرچه بیشتر نیاز است.

جریان‌شناسی تفسیر در غرب اسلامی و مطالعه موردی بر تفسیر حرآلی، به منظور بازشناسی نقش و جایگاه حرآلی و آراء تفسیری وی در شکل‌یابی و سوگیری جریان‌های تفسیری آن دیار، از اهمیت بسیاری برخوردار است که مع‌الأسف تحقیق و بررسی علمی بایسته‌ای بویژه در عرصهٔ پژوهش‌های معاصر از آن سراغ نمی‌رود و توجه چندانی به شناخت تفسیر حرآلی و ویژگی‌های منحصر به فرد آن نشده است. شاهد این مدعا تأخیر در تصحیح و انتشار این تفسیر تا همین سال‌های اخیر می‌باشد. بدین جهت، نگارنده بر آن شد تا به تحقیق در تحولات روشی تفاسیر غرب اسلامی و به‌ویژه تفسیر حرآلی، از ابعاد مختلف بپردازد و ضمن معرفی شخصیت علمی حرآلی، به بررسی روش‌شناختی اثر تفسیری او و کشف جریان تفسیری حاکم بر غرب اسلامی اهتمام نماید.

### **فرضیه‌ها:**

۱. جریان غالب تفسیری در سده‌های ششم و هفتم هجری در اندلس، جریان تفاسیر واعظانه متأثر از جریان عرفان و تصوّف است.

۲. جریان فرهنگ اسلامی در اندلس متأثر از فرایند انتقال علوم و معارف اسلامی به این دیار و در تعامل با دیگر گرایش‌های مذهبی و جریان‌های فکری یهود و مسیحیت شکل گرفته است.

۳. سیر تحوّل دانش تفسیر در غرب اسلامی بیان‌گر فعالیت گسترده شبکهٔ مفسران اندلس و مبنای، روش و گرایش‌های مختلف و منحصر به فرد تفسیری ایشان است.

۴. از جمله مبانی تفسیری حرآلی آن است که؛ وی زبان قرآن را زبانی الهی و بیان قرآن را ماوراء بیان انسان می‌داند به نحوی که نمی‌توان با ابزارهای درک زبان انسان، زبان قرآن را درک نمود. همچنین از نگاه حرآلی، مراتب فهم انسان‌ها از قرآن، به فراخور شأن و مرتبهٔ ایمانی ایشان است و فهم قرآن از تأییدات و موهبات الهی و حاصل زهد و تقوی و کاربست معارف قرآنی در تمام شئون و امور می‌داند. حرآلی فهم قرآن را غیر از تفسیر و تأویل آن و منحصر در اهل بیت (ع) می‌داند. روش تفسیری حرآلی، تفسیر قرآن به قرآن و در مواردی استناد به روایات بوده است. گرایش‌های واعظانه و به‌ویژه صوفیانه بر تفسیر حرآلی غلبه داشته و دیگر رویکردهای تفسیری تحت‌الشعاع آنها بوده است.

### **هدفها و کاربردهای مورد انتظار از انجام تحقیق:**

۱. کشف جریان‌های فکری در غرب اسلامی و بررسی میزان اثرگذاری عناصر جریان‌ساز بر فهم و تفسیر قرآن
۲. بررسی جریان‌شناختی اصول، مبانی و دیدگاه‌های مفسران در غرب اسلامی
۳. بررسی تحلیلی و روش‌شناسی تفسیر حرآلی و رویکردهای وی در فهم و تفسیر قرآن
۴. بررسی تحلیلی گرایش‌های فقهی، کلامی و صوفیانهٔ حرآلی و رویکردهای وی در تفسیر قرآن

### **روش تجزیه و تحلیل داده‌ها:**

تحقیق، تحلیلی - تبیینی خواهد بود. روشی که در حکم تحلیل و بررسی مؤلفه‌ها، آموزه‌ها و عناصر اثرگذار بر نظام فکری حرآلی است به‌منظور کشف فضای فکری و هندسهٔ معرفتی او، در جهت دستیابی به روش حرآلی در فهم و تفسیر قرآن.

## **فصل اول**

**جریان فرهنگ اسلامی در اندلس:**

**جریان‌های فکری حاکم بر اسپانیا و عناصر جریان‌ساز آن**

**جریان فکر اسلامی در اندلس**



## پیشگفتار

شبه جزیره ایبریا که امروزه دو کشور اسپانیا و پرتغال را شامل می‌شود تاریخی کهن و پرحادثه دارد. در زمان‌های قدیم عناصر حامی - لیبیائی مسمی به ایبری‌ها (Ibros) به این منطقه کوچیدند و در آنجا با عناصر کلتوس (Coltos) که از شمال آمده بودند برخوردند. از ترکیب این عناصر، نخستین ساکنان شبه جزیره به وجود آمدند و یونانیان همه اراضی منسوب به آنان را شبه جزیره ایبریا نامیدند.<sup>۱</sup> شبه جزیره ایبریا، واقع در منتهی الیه جنوب غربی قاره اروپا، در جنوب شرقی پرتغال، از شمال و مغرب به اقیانوس اطلس، از شرق به کوهسار پیرنه و از جنوب به دریای مدیترانه محدود می‌باشد.<sup>۲</sup>

در اصطلاح جغرافیا نویسان، اندلس<sup>۳</sup> نامی است که مسلمانان به تمام شبه جزیره ایبریا (Iberie) و گاه بخشی از آن اطلاق می‌کردند.<sup>۴</sup> اولین بار نام اندلس در سال ۹۸ هجری قمری به کار برده شد<sup>۵</sup> و به مرور زمان واژه اندلس در هر دوره، فقط به آن حوزه جغرافیایی از شبه جزیره گفته می‌شد که در سلطه مسلمانان بود. چراکه توسعه و گسترش مفهوم این تعبیر منوط به توسعه و یا محدود شدن قدرت حکومت‌های اسلامی در شبه جزیره بود که هیچ گاه دامنه شمول ثابتی نداشته بلکه به تدریج مفهوم گسترده آن محدودیت یافته است.<sup>۶</sup>

۱ - عبدالمجید نعنعی، دولت امویان در اندلس، مترجم: محمد سپهری، چهارم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تابستان ۱۳۹۱، ص ۲۲

۲ - عبدالله ناصری طاهری، مقدمه‌ای بر تاریخ مغرب اسلامی، چهارم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، بهار ۱۳۹۱، ص ۱۹۷

۳ - آندُلُس یا آندُلُس andalos در اسپانیولی andalutia اندلوسیا

۴ - دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر سیدکاظم موسوی بجنوردی، تهران: ۱۳۷۲، مدخل اندلس، ج ۱۰، ص ۳۲۳

۵ - عبدالله ناصری طاهری، همان

۶ - دایرة المعارف بزرگ اسلامی (دبا)، همانجا

نام تاریخی اندلس، مشتق از «وندال»<sup>۱</sup> برگرفته از نام قبایل ژرمنی تبار واندال است که در جنوب شبه جزیره ایبری ساکن بودند. اندلس در منابع اسلامی به صورت «اندلیش»، «اندلش» و «فندلش» نیز ذکر شده است.<sup>۲</sup>

تاریخ اندلس از اواخر هزاره دوم قبل از میلاد آغاز می‌شود. از حدود قرن دهم قبل از میلاد (۱۲۰۰ ق م)، در این مناطق پایگاه‌های تجاری و شهرهای ساحلی توسط بازرگانان و دریانوردان فینیقی به وجود آمد. این خطوط تجاری دریایی در امتداد سواحل دریای مدیترانه بنا شد و تا دورترین سواحل غربی آن در امتداد اقیانوس اطلس ادامه یافت. سپس یونانیان که طی قرن پنجم قبل از میلاد، سواحل شرقی شبه جزیره ایبریا تحت تأثیر عناصر فرهنگی و تمدنی آن‌ها قرار گرفته بود، این سرزمین را تصرف کردند. اندکی بعد، و در حدود ۸۵۰ قبل از میلاد گروهی از مردم قرطاجنه - کارتاژها - در سواحل جنوبی ایبریا فرود آمدند و نبردهای سختی موسوم به «پونیک»<sup>۳</sup> میان کارتاژها و رومیان رخ داد که سرانجام به شکست کارتاژها و زوال حکومت آنان انجامید و از آن پس اندلس به دست رومیان افتاد و آنان تا ۴۰۹ میلادی به مدت شش قرن بر اندلس حکومت کردند.<sup>۴</sup>

## ۱- جریان‌های فکری حاکم بر اسپانیا و عناصر جریان‌ساز آن

تحولات فکری، لزوماً همواره محصول پدیداری عناصر فرهنگی و اجتماعی نیستند بلکه حوادث طبیعی نیز ممکن است پیش‌آهنگ و محرک یک جهش عظیم فکری باشد به نحوی که ساختارهای ذهنی ریشه گرفته در اعماق قرون را درهم کوبیده و سپس بر فراز این ویرانه‌ها، ساختارهای ذهنی تازه‌ای بنا کند.<sup>۵</sup>

1 - wendal

۲ - ر.ک: عبدالحمید حسین احمد السامرائی، تاریخ الجهاد اسلامی فی الأندلس، بنگازی: دارشموع الثقافة، پنجم، ۲۰۰۳ م، ص ۵۴

۳ - púnicas سه دوره جنگ‌های بین روم و کارتاژها

۴ - دبا، همان مدخل

۵ - دانش هیدروگرافی و تأثیرات آب و هوا را بر اوضاع اجتماعی بنگرید در: نظریه جریان‌های اصلی تمدن، ساموئل هانتینگتون، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، مترجم: محمدعلی حمیدرفیعی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸ ش

بحران‌های حاصل از جهش ضربان اقلیمی در اسپانیای قرون وسطی، همراه با خشکسالی و قحطی‌های متوالی و بالطبع افت محصولات کشاورزی، بحران‌های شدید اقتصادی و اجتماعی وسیعی را رقم زد که عواقب وخیمی همچون فقر، اغتشاش و ناامنی، از هم پاشیدگی اجتماعی و اضطراب و یأس را در شبه جزیره ایبریا به بار آورد و این درحالی بود که نظام طبقاتی اندلس که شرک، فساد و اشرافی‌گری در آن موج می‌زد، به عنوان عناصری جریان ساز، بحران‌های مذهبی را در جامعه اسپانیا دامن زد و پرسش‌گری ایشان را از پایگاه‌های مذهبی موجود، در مواجهه با بحران‌های اقتصادی و اجتماعی موجب گردید. و جریان‌های فکری مختلفی همچون مکتب فکری ادریون، آئین مسیحیت تثلیثی کاتولیک، آئین یهود، مکتب پرسیلینیسیم، مکتب آریانیسیم و آئین توحیدی اسلام را در دوره‌های مختلف این منطقه از غرب اسلامی ظهور و بروز بخشید.

اگر بخواهیم تحول اندیشه‌های مذهبی را در شبه جزیره ایبریا طی قرون وسطا دریابیم، باید مسأله را از دوران انحلال امپراتوری روم جستجو کنیم؛

بحران اقلیمی، بی‌نظمی گسترده‌ای در اقتصاد مناطق حاصلخیز پدید آورد. جنگ میان روم شرقی (بیزانس) و ایران حالت مزمن به خود گرفته بود، ویرانی‌های جنگ و دگرگونی‌های طبیعی همه‌جا را فرا می‌گرفت و شورش‌های ناشی از قحطی‌های متوالی بی‌وقفه ادامه داشت. گروه‌های اجتماعی حاکم، نیز به‌رغم ثروت و محافظه کاری، به ورطه سقوط و ورشکستگی کشیده می‌شدند و قدرت امپراتوری روم شرقی رو به زوال می‌رفت. شدت این فروپاشیدگی عمومی بدان حد بود که تمدن یونانی با آنکه در سوریه و مصر سابقه‌ای تقریباً هزارساله داشت برای همیشه از این منطقه رخت بر بست و از این تمدن عظیم چیزی جز یک خاطره مبهم باقی نماند.<sup>۱</sup>

تاریخ این منطقه، سرگذشت یک جوشش انقلابی است با مرزهای نامشخص که جنگ داخلی، خودسری‌های بی‌پروا و پاره پاره شدن قدرت از خصائص عمده این جوشش بوده است.

---

۱ - ایگناسیو اولانوئه، انقلابی اسلامی در غرب، مترجم: سید محمد حسینی، قم: مصباح الخیر، دوم بهار ۱۳۹۲ش، ص ۱۶۰

اسپانیا نیز به واسطه انزوای جغرافیایی که در آن روزگار بسیار شدیدتر هم شده بود، بخصوص از سومین قرن میلادی، به یک پناهگاه مبدل شد. پناهگاهی برای سرمایه‌ها و برای خانواده‌های بزرگ روم. چراکه به استناد تاریخ اینجا تنها منطقه‌ای از غرب بود که چندان گزند از انقلاب‌ها و جنگ‌های داخلی بدان نمی‌رسید.<sup>۱</sup>

طی قرن سوم میلادی، درحالی که به نظر می‌رسید کلیسای کاتولیک، نظریه تثلیث و رأی مبتنی بر اقانیم ثلاثه را به اکثریت مسیحیان در سراسر امپراتوری کبیر روم قبولانیده باشد، بسیاری از ایشان، تثلیث مقدس را نپذیرفتند و بحث و جدل بر سر این موضوع هر بار پرخروش‌تر، عامیانه‌تر و خشن‌تر ادامه می‌یافت. نامه سن سیپرین، اسقف قرطاجنه به جامعه مسیحیان، نشان می‌دهد که مسیحیان در این دوره در موقعیت بسیار دشوار و متزلزلی قرار داشته‌اند. او خطاب به جامعه مسیحیان شکوائیه آنان را چنین پاسخ می‌دهد که اگر اسقف‌ها آن‌ها را ترک گفته‌اند و مؤمنان پریشان و سرگردان مانده‌اند: «هراسان نشوید اگر ایمان بعضی از ما متزلزل گردد و اگر همدلی و محبت از میان برود نا امید نشوید. در روزگار ما قدرت انجیل در کلیسای خداوند کاهش یافته است و قوه پارسایی و ایمان مسیحی نقصان می‌گیرد...»<sup>۲</sup>. این متن که متعلق به قرن سوم میلادی است نشان می‌دهد که باید پذیرفت در این سرزمین، مسیحیت چه از نظر عده گروندگان و چه از نظر انضباط و عمق اعتقاد، در قرن سوم میلادی هنوز بسیار سست و شکننده بوده است.

در آغاز قرن چهارم میلادی خطبه‌های اسقف «آریوس» حکیم الهی پایبند به اصالت خرد، آتش به انبار باروت افکند لکن در نهایت در سال ۳۲۵ میلادی، علیرغم آنکه اکثر اسقف‌های ایالات آسیایی امپراتوری روم، پیرو آراء آریوس<sup>۳</sup> بودند شورای عالی مسیحیت کاتولیک در نیقیه گرد آمد و به دستور امپراتور کنستانتین، آریوس را تکفیر کرد و آریانیسم<sup>۴</sup> یعنی پیروی از آراء آریوس را ارتداد شمرد و بدین ترتیب، مسیحیت معتقد به تثلیث به صورت مذهب رسمی دولت روم درآمد.

---

۱ - سامرائی، همان، ص ۷۳

۲ - اولاکوئه، پیشین، ص ۱۷۱

3 - Arius

4 - Arianisme